

زبان فارسی و گویش‌های ایرانی

سال اول، دوره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۵، شماره پیاپی ۱

فعل آینده در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی

دکتر محرم رضایتی کیشه‌خاله^۱

آرزو ابراهیمی دینانی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۲/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۱۳

چکیده

فعل آینده در زبان‌های ایرانی از دوره باستان تاکنون با تحولاتی همراه بوده است. در فارسی باستان ساخت خاصی به نام آینده وجود نداشت و غالباً از وجه التزامی برای اشاره به آینده استفاده می‌شد. در اوستایی، علاوه بر وجه التزامی، فعل مستقل آینده نیز وجود داشت که از این ساخت تنها وجه اخباری و صفت فاعلی موجود است. در گروه غربی زبان‌های ایرانی میانه، خلأ کاربرد فعل آینده با وجه مضارع التزامی و مضارع اخباری جبران می‌شده است. در گروه شرقی زبان‌های ایرانی (سغدی و خوارزمی)، فعل آینده با افزودن پسوند زمان‌ساز به آخر فعل واژگانی ساخته می‌شد. در فارسی دری، و به تبع آن در فارسی نوشتاری امروز، فعل آینده از ترکیب شکل تصریفی فعل معین «خواستن» و فعل واژگانی (در شکل مصدر کامل یا کوتاه) بنا می‌شود. اما در فارسی گفتاری معمولاً این شیوه کاربردی ندارد و عملاً مضارع اخباری جانشین آن گردیده است. در بیشتر گویش‌های ایرانی ویژگی فعل آینده مشابه فارسی گفتاری است. در این مقاله ضمن بررسی سیر تحول تاریخی فعل آینده از گذشته تا به امروز، چگونگی ساخت آن در برخی از گویش‌های ایرانی مطالعه شده است.

واژگان کلیدی: فعل آینده، ایرانی باستان، ایرانی میانه، فارسی نو، گویش‌های ایرانی

✉ kishekhaleh@yahoo.com

۱. دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان
۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه گیلان

۱- مقدمه

زبان فارسی امروز که ادامه فارسی دری است، صورت تحول‌یافته فارسی میانه (گونه زردشتی)، و فارسی میانه نیز دنباله یکی از گونه‌های فارسی باستان است. زبان‌های ایرانی در گذار از دوره باستان به دوره میانه، و از دوره میانه به دوره امروز، از نظر ساختاری در سطوح مختلف زبانی تحولات زیادی داشته‌اند. اما این تحولات در ادوار، زبان‌ها و حوزه‌های مختلف یکسان نبوده‌است.

یکی از حوزه‌های مهم زبان‌ها نظام فعلی آنهاست. این نظام برخلاف سایر حوزه‌های زبانی معمولاً با آهنگی کند در مسیر تحول قرار می‌گیرد. با این حال، از دوره باستان تا امروز در مقوله نظام و ساختار فعلی نیز شاهد تحولات عمده‌ای بوده‌ایم؛ نظام فعلی تام (نقلی)^۱، نامعین (مطلق)^۲، و آینده^۳ ایرانی باستان در بنای زمان افعال، در تحول از ایرانی باستان به ایرانی میانه غربی (فارسی میانه و پارتی) از میان رفته و فقط نظام فعلی معروف به مضارع (حال)^۴ به صورت ماده مضارع افعال، تحول یافته و به فارسی دری نیز رسیده‌است. افعال ماضی در ایرانی میانه غربی و فارسی دری، از صفت فاعلی و مفعولی گذشته ایرانی باستان منشعب و ساخته می‌شوند (نک. آموزگار و تفضلی، ۱۳۷۳: ۵۳-۵۴). نیز از طریق بسط قیاسی، الحاق اجزای غیرتصریفی و عبارات ترکیبی، برخی ساخت‌های نوین فعلی خلق شده‌اند.

در مقاله حاضر به بررسی فعل آینده و سیر تحول ساخت و کاربرد آن از دوره باستان تا به امروز پرداخته‌ایم. در این بررسی، علاوه بر زبان فارسی، شماری از گویش‌های ایرانی امروز هم مطالعه شده‌اند. هرچند درباره فعل آینده به صورت پراکنده و گسسته در اغلب کتاب‌های دستوری مطالبی فراهم آمده، ولی تاکنون مجموعه‌ای مستقل، مستند و نظام‌مند در بررسی سیر تحولات تاریخی این فعل در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی نوشته نشده‌است^(۱). خانلری (۱۳۶۹: ۲۸۶-۲۹۸) نخستین کسی است که در تاریخ زبان فارسی با تأمل و دقت بیشتری به ساخت فعل آینده و شیوه تحول و کاربرد آن پرداخته‌است. با این حال، گستره تحقیق او تا اواخر قرن هفتم هجری است و گویش‌های ایرانی را در بر نمی‌گیرد. سبزه‌علی‌پور و ایزدی‌فر (۱۳۹۱) در مقاله «تحول مضارع اخباری به مضارع مستمر در گویش‌های ایرانی شمال غربی»، به موارد کاربرد مضارع اخباری، از جمله دلالت بر مفهوم آینده در برخی از گویش‌ها، مثل گیلکی، تالشی، تاتی خلخال، تاتی کلاسور و تاتی هرزن توجه کرده‌اند.

1. perfect
2. aurist
3. future
4. present system

در بررسی فعل آینده، از زبان‌های ایرانی باستان (فارسی باستان و اوستایی) شروع می‌کنیم؛ سپس به زبان‌های ایرانی میانه غربی (پارتی، فارسی میانه) و شرقی (سغدی و خوارزمی) می‌پردازیم؛ و در نهایت زبان‌های ایرانی نو (فارسی دری، فارسی نوشتاری و گفتاری امروز، و همچنین برخی از گویش‌های ایرانی) را از این منظر مطالعه خواهیم کرد.

۲- زبان‌های ایرانی باستان

«زبانی را که اقوام ایرانی پس از جدایی از هم‌نژادان [آریایی] خویش مورد استفاده قرار می‌دادند، می‌توان ایرانی آغازین، ایرانی مشترک یا ایرانی باستان نامید. ... برپایه شواهد موجود از زبان‌های اوستایی و فارسی باستان، و نیز با بهره‌گیری از ویژگی‌های زبان سنسکریت که نزدیک‌ترین زبان هندواروپایی به اوستایی و فارسی باستان است، ساخت زبانی ایرانی آغازین را می‌توان ... بازسازی کرد» (رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۲۳). از زبان‌های ایرانی باستان، فارسی باستان، اوستایی، سکایی باستان، مادی و چند زبان دیگر (نک. همان: ۵۶-۵۸) قابل ذکرند. فارسی باستان و اوستایی از زبان‌های مهم ایرانی در دوره باستان‌اند که اسناد تاریخی و زبانی باارزشی از آنها در دست است. از سکایی باستان و مادی جز برخی اسامی اشخاص، قبایل و مکان‌ها در متون و آثار ایرانی و غیرایرانی، باقی نمانده است.

۲-۱- فارسی باستان

در فارسی باستان مقوله فعل مبتنی بر سه شخص، سه شمار، سه ماده (مضارع، ماضی، نقلی)، پنج وجه (اخباری، التزامی، امری، تمنایی، انشایی)، چهار زمان (مضارع، ماضی، ماضی استمراری، ماضی نقلی)، و دو باب (گذرا و ناگذر) بوده و برای آینده، ماده و زمان خاصی وجود نداشته است (نک. کنت، ۱۹۵۳: ۷۰؛ رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۶۹؛ مولایی، ۱۳۸۴: ۶۵). البته در فارسی باستان استفاده از ماده ماضی و نقلی بسیار محدود بوده است. اما خلأ وجود فعل آینده غالباً با وجه التزامی (علاوه بر کاربردهای دیگر آن) برطرف می‌شد. در این صورت، فعل التزامی معمولاً در قالب جمله مرکب، در بند پیرو یا بند موصولی قرار می‌گرفت (نک. کنت، ۱۹۵۳: ۸۹):

1. *hya Auramazd m yad taiy, y nam avahy ahatiy* (DB 5.19).

آن که اهورامزدا را بپرستد، رحمت الهی با او باشد (خواهد بود).

2. *yadiy k ra P rsa p ta ahatiy, hy duvai tam iy ti ax at hauvcy Aura niras tiy abiy im m vi am* (Dpe.22-24).

اگر مردم پارس پاییده شود، از این پس شادی پیوسته به وسیله اهورا بر این خاندان برسد (خواهد رسید).

3. *tuvam k x ya iya hya aparam hy, hac draug dar am* (DB 4.37).

تو که از این پس شاه باشی (خواهی بود)، خود را از دروغ به شدت بیای.

به نظر کنت (نک. همان: ۹۱) علاوه بر وجه التزامی، گاه وجه تمنایی و امری نیز در بیان مفهوم آینده در فارسی باستان کاربرد داشته‌است:

4. naim k ma tya martiya vin ayai naipatim ava k ma yadiy vin ayai naiy fra iyai (DNb19-21).

نه مرا کام است که مردی آسیب برساند، نه مرا کام است که اگر آسیب رساند مجازات نشود.

5. y v utava hy ava at paribar (DB 4.72).

تا زمانی که توانا باشی، آنها را به همان صورت نگه‌دار (خواهی داشت).

بنابراین از کاربردهای وجه التزامی، تمنایی و امری در فارسی باستان، بیان مفهوم آینده نیز هست که کنت آنها را در سه بخش متمایز؛ کاربرد در فراکردهای آزاد، کاربرد در فراکردهای موصولی، و کاربرد در فراکردهای پیرو تحلیل و بررسی کرده‌است (نک. همان: ۸۹).

۲-۲- اوستایی

در متون اوستایی علاوه بر ویژگی‌های افعال فارسی باستان، چند ویژگی دیگر، از جمله ساخت ماضی بعید، و همچنین فعل آینده نیز دیده می‌شود که بر پایه ماده آینده ساخته می‌شده‌است. ماده آینده از پیوستن پسوندهای *-hya/ ya* به صورت قوی^(۳) ریشه به دست می‌آید و مانند ماده‌های تاتیک (a-دار) صرف می‌شد: «*vax iietē*: خواهد گفت (ناگذر)»، «*sao iiaŋt*: سود رساننده (صفت فاعلی گذرا)» (نک. رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۷۴؛ همچنین ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۱۵۳؛ جکسون، ۲۰۰۴: ۱۸۶-۱۸۷؛ کلنز، ۱۳۸۲: ۹۸؛ سوکولوف، ۱۳۸۸: ۹۸).

از این زمان تنها وجه اخباری و صفت فاعلی (وجه وصفی) موجود است. در بقیه موارد غالباً از وجه التزامی و گاه وجه انشایی در اشاره به آینده استفاده می‌شده‌است:

6. Kat a ava...vəŋgha drəgvantəm (یسن ۴۸، بند ۲).

کی مقدس... بر دروغ پیروز خواهد شد (ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۱۶۴).

7. yava is i tav a ava xs i (یسن ۲۸، بند ۴).

تا آنجا که بتوانم تعلیم خواهم داد و نیروی آن را خواهم داشت (سوکولوف، ۱۳۸۸: ۱۰۴).

8. n i mazd av sry ...humərət i bax t (یسن ۳۱، بند ۱۰).

ای مزدا، ناکشاورز... از پیام نیک سهمی نخواهد یافت (ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۱۶۴).

محدویت تصریفی فعل آینده در زبان اوستایی که تقریباً از ده مورد بیشتر نیست (نک. سوکولوف، ۱۳۸۸: ۱۰۴)، و نبود آن در متون موجود فارسی باستان نشان می‌دهد که این فعل از همان روزگاران در حال فروپاشی و نابودی بوده‌است.

۳- زبان‌های ایرانی میانه

زبان‌های ایرانی میانه اصطلاحاً به گروهی از زبان‌های ایرانی می‌گویند که پس از فروپاشی شاهنشاهی هخامنشی تا فتح ایران به دست مسلمان‌ها و حتی مدتی بعد از آن در میان اقوام ایرانی رواج داشته‌اند و به دو دسته غربی و شرقی تقسیم می‌شوند: زبان‌های غربی شامل پارسی (پهلوی اشکانی)، و فارسی میانه (پهلوی)؛ و زبان‌های شرقی شامل سغدی، خوارزمی، بلخی (تُخاری یا کوشانی) و سکایی میانه‌اند (نک. رضایی باغبیدی، ۱۳۸۸: ۷۷-۱۶۰؛ زوندرومان، ۱۳۸۲: ۱۷۹-۱۸۹؛ سیمز ویلیامز، ۱۳۸۲: ۲۶۱-۲۷۱). در مقاله حاضر از زبان‌های شرقی، سغدی و خوارزمی مطالعه شده‌اند.

زبان‌های ایرانی در گذار از دوره باستان به دوران طولانی ایرانی میانه، دچار تحولات اساسی در دستگاه فعل شد و ساختمان آن ساده‌تر گردید. اما روند این دگرگونی‌ها در زبان‌های گروه غربی و شرقی، حتی درون خود آن گروه‌ها یکسان نبوده‌است. مثلاً زبان سغدی دستگاه صرف میانه^۱ (جنبه ناگذر) و ماضی غیرتام^۲ باستانی را با تحولاتی حفظ کرده (نک. قریب، ۱۳۷۲: ۲)، اما این ویژگی در ایرانی میانه غربی فرو پاشیده‌است. ضمن آنکه هریک از گروه‌ها و زبان‌های ایرانی میانه، از طریق فرایندهای قیاسی، الحاق اجزای غیرتصریفی و عبارت‌های ترکیبی، ساخت‌های نوین فعلی نیز خلق کرده‌اند.

۳-۱- پارسی

در زبان پارسی دستگاه فعلی ایرانی باستان به یک ماده (ماده مضارع) تقلیل یافت. ماده ماضی نیز بر پایه صفت مفعولی ایرانی باستان (مختوم به *-ta**) بنا شد. زمان آینده، شمار مثنی و فعل ناگذر ایرانی باستان از بین رفت. در عوض برخی ساخت‌ها و ترکیب‌های جدید، مثل ماضی ساده (لازم و متعدی)، ماضی نقلی، ماضی بعید به وجود آمد که در ایرانی باستان، ساختی متفاوت داشت. مضارع التزامی و اخباری در کنار سایر دلالت‌ها، در بیان مفهوم آینده نیز به کار می‌رفتند (نک. رضایی باغبیدی، ۱۳۸۱: ۱۲۳-۱۴۹).
الف- مضارع التزامی:

9. hrid g r a murd n x z n (bw 3).

روز سوم از (میان) مردگان برخوادم خاست (همان: ۱۳۵).

10. az pad z ist n n ud frawaz n pad b z r_h ud wi min h pad d ft_h ud baw h ab and g (Acta 9,164).

1.middle
2.imperfect

من تو را با عشق خواهم گرفت و پرواز خواهم کرد با بال... و خوش خواهی گذراند به شادی... و خواهی بود بی-اندوه (ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۱۸۸).

ب- مضارع اخباری:

11. ud im n-i mard hm n farrux n k pad im am n ay nd, ud ham haw -n k am bar ay nd, b xs nd a im z dmurd (r 6).

و این مردم فرخنده که در این زمان زاده می‌شوند و نیز آنانی که در آینده زاده خواهند شد، از این زادمرد نجات خواهند یافت (رضایی‌باغبیدی، ۱۳۸۱: ۱۳۳).

12. yazd n w nd n k -m n b nd (M4a II R 10-11).

یزدان (ایزدان) را نیایش کنیم که ما را نجات خواهند داد (کریستوفر، ۱۳۷۶: ۴۱۴).

۳-۲- فارسی میانه

ساخت فعل در فارسی میانه چندان تفاوتی با پارتی ندارد. در این زبان نیز ساخت فعل آینده متروک گردید و خلأ آن با افعال دیگر جبران می‌شده‌است. مثلاً افعال مضارع اخباری و التزامی، در کنار سایر کاربردها بر زمان آینده هم دلالت می‌کرده‌اند.

الف- مضارع اخباری:

13. b z az n n parr n n -griy m (Acta9,183).

اما از اکنون به بعد نخواهم گریست (ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۱۸۶).

14. k -t a m zr h ft t ha du man n ap im bav h (Kn.II: 13-14/18).

تو را چون دیده به دریا افتد از دشمنان ایمن خواهی بود (راستارگویا، ۱۳۴۷: ۱۴۱-۱۴۲).

15. n h az xw hu-kuni n h warz h azi bar xwar h (CAP. 54).

آنجا ثمره اعمال نیک هرکس توسط خود او خورده شود (کریستوفر، ۱۳۷۶: ۴۴۷).

ب- مضارع التزامی:

16. ud h n z r_h pad aw y b azi ba uz h d ud p k baw d ud xwar ud m h ahr m d (Acta9,80).

و آن زور (نیروی روشنی) در آن آتش (آتش‌سوزی پایان جهان) از [جهان مادی] بیرون خواهد آمد و پاک خواهد بود (شد) و به خورشید و ماه بر خواهد رفت (ابوالقاسمی، ۱۳۸۷، ۱۸۸).

17. b z az n n parr n n griy m u- n zan n (M. 473, R. 8-9).

اما از اکنون به بعد، نه می‌گیریم و نه او را خواهم کشت (کریستوفر، ۱۳۷۶: ۴۳۰).

۳-۳- سغدی و خوارزمی

در زبان سغدی نیز دستگاه فعلی ایرانی باستان از جهاتی ساده‌تر شد. چنانکه ماده ماضی (آئوریست)، ماده نقلی (تام) و ماده آینده و مشتقات مربوط به آنها از بین رفت، در عوض «گروه‌های جدیدی از طریق بسط قیاسی (مثل وجه نامحقق)، یا الحاق اجزای تصریف نشدنی (مثل وجه استمراری، و زمان مستقبل) یا عبارات ترکیبی (مانند ماضی نقلی و بعید فعل‌های متعدی و لازم یا ترکیبات مجهولی و وجه امکانی) خلق شده‌اند. افزون بر این، سغدی دستگاه

صرف میانه (جنبه ناگذر) باستانی را حفظ کرده ... برجسته‌ترین مشخصه فعل زبان سغدی، حفظ ماضی غیرتام باستانی است که بر ستاک حال بنیاد نهاده شده» (قریب، ۱۳۷۲: ۲) است. فعل آینده در سغدی با افزودن پسوند زمان ساز $k\ m/k\ n/k$ (مشق از $k\ ma$ ایرانی باستان به معنی «خواهش و کام») به آخر مضارع اخباری ساخته می‌شد. گاه این پسوند، به وجوه التزامی، تمنایی، امری و ماضی مقدم (ماضی δ - دار) هم اضافه می‌شده‌است (نک. همان: ۲۰-۲۱):

مضارع اخباری $m\ k\ m$ هـ «خواهم بخشید»

مضارع التزامی: $wan\ k$ «که خواهی کرد»

مضارع تمنایی (مضارع در جریان) $awe\ k\ n$ «دارد می‌رود»

امر- نهی $n\ -xw\ \delta\ k\ m$ «نخواهید خواست»

ماضی مقدم (ماضی در جریان): $patw\ \delta\ z\ k$ «داشت تسلیم می‌کرد»

در سغدی $k\ m$ علاوه بر افزونه زمان ساز، به عنوان فعل واژگانی مستقل و قابل تصریف نیز کاربرد داشته‌است.

در بین زبان‌های گروه شرقی، خوارزمی در صرف و واژه‌سازی رابطه بسیار نزدیک‌تری با سغدی دارد. در خوارزمی نیز فعل «آینده» با افزودن $k\ m\ k'm$ به ماده مضارع ساخته می‌شده‌است. مانند: $'m-k'my$ «خواهم بست»، $wc-k'm$ «لازم خواهد بود» (برای اطلاع بیشتر، نک. هومباخ، ۱۳۸۲: ۳۱۱ و ۳۱۴-۳۱۵).

۴- فارسی دری

زبان فارسی میانه در روند تحولات خود در اواخر دوره ساسانیان به دو صورت نوشتاری و گفتاری هم‌عرض به حیات خود ادامه داد. «پهلوی» زبان مکتوبات زردشتی، اندرزنامه‌ها و متون ادبی اواخر عهد ساسانی و اوایل دوره اسلامی بود، و «دری» زبان گفتاری مردم پایتخت و بعضی شهرهای مجاور عهد ساسانی (نک. صادقی، ۱۳۵۷: ۲۲-۲۵).

پس از فتوحات اسلامی، زبان دری به تدریج گسترش یافت و به عنوان زبان نوشتاری جای پهلوی و دیگر زبان‌های ایرانی را گرفت. هرچند کهن‌ترین نمونه‌های دری را به دوره ساسانی نسبت می‌دهند، اما مستندات آن در آثار نویسندگان ایرانی و اسلامی، از قرن سوم هجری فراتر نمی‌رود (نک. همان: ۵۴-۱۱۷).

دستگاه فعل در گذار از پهلوی به فارسی دری با تحولاتی همراه بوده‌است از جمله: الف- متروک شدن شناسه‌های خاص مضارع التزامی پهلوی در فارسی دری، جز شناسه سوم‌شخص مفرد (d -) که در فعل دعایی کاربرد داشته‌است (نک. ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۲۰۹)؛ ب- از بین رفتن

ساخت افعال ماضی متعدی پهلووی در فارسی دری، مگر بقایایی از آن، که به صورت تحول یافته و احیاناً بسط قیاسی در برخی از متون باقی مانده است (نک. رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۳: ۲۰۵-۱۹۱)؛

ج- یکسان بودن ساخت مضارع اخباری و مضارع التزامی، که بعداً اغلب با جزء پیشین (می و بی) از هم متمایز شدند (نک. ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۲۰۹).

د- گسترش ساخت و کاربرد فعل‌های پیشوندی و ترکیبی (نک. رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۸: ۲۷-۵۰؛ صادقی، ۱۳۸۰: ۱۴۳-۱۵۲).

ه- وجوه و ساخت‌های متعدد فعلی، از جمله ساخت فعل مستقل آینده با فعل معین «خواستن»، و همچنین موارد دیگر که خارج از بحث فعلی ماست.

در فارسی دری مضارع التزامی در فعل‌های ساده، اغلب با جزء پیشین «ب»، و گاه «می/همی» همراه است. در فعل‌های مرکب، غالباً با جزء پیشین، و در فعل‌های پیشوندی بدون آن به کار می‌رود. این مختصات کم‌وبیش در مضارع اخباری نیز دیده می‌شود (نک. خانلری، ۱۳۶۹: ۲۷۶/۲ و ۳۱۱-۳۱۳).

متروک شدن شناسه‌های خاص مضارع التزامی در فارسی دری، اغلب موجب درآمیختگی ساخت آن با مضارع اخباری شده تا آنجا که به نظر برخی از زبان‌شناسان، در فارسی دری، مضارع اخباری و التزامی یکی شده است (نک. ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۲۰۹):

۱۸- به دست خویش چیزی تراشند و صورت کنند. آنگاه آن را به خدای گیرند و بپرستند (بیان‌الادیان، به نقل از خانلری، ۱۳۶۹: ۲۷۲/۲).

۱۹- چون آنجا برسی، هفتاد هزار صورت بر تو عرض کنند، هر صورتی را بر شکل خود بینی (تمهیدات عین‌القضات، به نقل از همان: ۲۷۵/۲).

۲۰- زنان خویش را بگوی تا در پرده می‌باشند (قصه یوسف و زلیخا، به نقل از همان: ۲۷۵/۲).

۲۱- فردا من بروم و شاه اسکندر را ببینم (اسکندرنامه، به نقل از همان: ۲۷۵/۲).

در فارسی دری، مضارع اخباری علاوه بر زمان حال و سایر کاربردها و معانی، متضمن معنی آینده نیز هست:

۲۲- عیسی از آسمان فرود آید و عدل و داد کند (تاریخ بلعمی، به نقل از همان: ۲۷۵/۲).

۲۳- هرگاه که وقت آن شد، ترا خیر کنم (فردوس المرشدیه، به نقل از همان: ۲۷۵/۲).

۲۴- فردا بامداد جواب تو بازدهیم (اسکندرنامه، به نقل از همان: ۲۷۵/۲).

همچنین از وجه دعایی نیز گاه در بیان معنی آینده استفاده شده است:

دستی که وزد رایحه قهر تو آنجا تا حشر نروید دگر مهرگیایی

(ایرج میرزا، به نقل از ابوالقاسمی، ۱۳۸۷: ۲۳۳)

علاوه بر این در فارسی دری، فعل مستقل «آینده» نیز به وجود آمد که از ترکیب فعل معین «خواستن» (در وجه مضارع اخباری و غالباً بدون جزء پیشین) با مصدر کامل یا کوتاه فعل واژگانی ساخته می‌شده است. البته در متون اولیه، به نظر می‌رسد که فعل «خواستن» در این ساخت هنوز کاملاً دستوری نشده و معنی واژگانی خود را کم‌وبیش حفظ کرده است. به همین دلیل، برخی از محققان آن را مستقبل نما یا مستقبل‌واره نامیده‌اند (نک. احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۶۳۹/۱-۶۳۸). اما به تدریج «خواستن» در نقش فعل معین در ساخت فعل جدید «آینده» به کار رفت و در زبان نوشتاری تا امروز هم ادامه یافته است:

- ۲۵- هرچه خواهد بودن او را معلوم است (قصه‌ی بن یقظان، به نقل از خانلری، ۱۳۶۹: ۲۸۹/۲).
 ۲۶- و اندرین بابها ذکر این ثقبه بسیار خواهد آمد (ذخیره خوارزمشاهی، به نقل از همان: ۲۹۱/۲).
 ۲۷- آنچه زنده‌اند جمله بخوانند مرد (ترجمه تفسیر طبری، به نقل از احمدی گیوی، ۱۳۸۰: ۶۴۴/۱).
 ۲۸- این حدیث می‌خواهد بود تا قیامت (اسرارالتوحید، به نقل از همان: ۶۵۸/۱).

از انواع دیگر فعل آینده که در فارسی دری به وجود آمد، می‌توان فعل «آینده در گذشته» را نام برد. این فعل از ترکیب فعل معین «خواستن» (در وجه ماضی ساده یا استمراری و غالباً بدون جزء پیشین) با مصدر کوتاه یا کامل فعل واژگانی ساخته می‌شده است و «کاربرد آن در شواهد به دست آمده، از سده هشتم [هجری] به این سو نمی‌گذرد» (همان: ۷۲۱/۱):

- ۲۹- فردای آن روز رمضان خواست بود (چهارمقاله، به نقل از همان: ۷۲۵/۱).
 ۳۰- میان ایشان قطع خواست افتادن (منتخب رونق المجالس، به نقل از همان: ۷۲۷/۱).
 ۳۱- از شعله اناالحق بخواستند سوخت (مرصاد العباد، به نقل از همان‌جا).
 ۳۲- آن روز رومیان خواستندی تاخت کرد (پنج اثر کسروی، به نقل از همان: ۷۲۶/۱).

۵- فارسی امروز

هرچند فعل آینده با ساخت فعل معین «خواستن» (در وجه مضارع اخباری بدون جزء پیشین) و مصدر کوتاه فعل واژگانی، متأثر از سنت ادبی، در زبان نوشتاری امروز متداول است، ولی در زبان گفتاری به ندرت به کار می‌رود. در عوض، مضارع اخباری در زبان گفتاری امروز صرف‌نظر از لحظه‌ای یا تداومی بودن آن، غالباً بر آینده دلالت دارد. تغییر قلمرو و دلالت زمانی مضارع اخباری از زمان «حال» به «آینده» موجب به وجود آمدن ساخت جدیدی به نام «مضارع مستمر» در زبان فارسی امروز شده که قبلاً در زبان فارسی دری سابقه نداشته و حتی این ساخت به زبان نوشتاری نیز راه پیدا کرده است. بر همین اساس، برخی از محققان بر این باورند که «در فارسی گفتاری، آینده وجود ندارد و مضارع اخباری هم بر حال دلالت می‌کند و هم بر آینده» (وحیدیان کامیار، به نقل از فروتن، ۱۳۸۷: ۱۵۹).

۶- فعل «آینده» در گویش‌های ایرانی

گویش‌های ایرانی در بیان مفهوم آینده از شیوه‌ها و امکانات مختلفی استفاده می‌کنند که دو نوع آن از نظر تاریخی و زبانی، و همچنین فراوانی کاربرد، اهمیت دارد: ۱- کاربرد دوگانه مضارع اخباری در معنی «حال» و «آینده»؛ ۲- استفاده از فعل مستقل «آینده». در نوع اول که به نظر می‌رسد بیشتر گویش‌های ایرانی را شامل می‌شود، تمایز «حال» و «آینده» با توجه به بافت کلام و موقعیت، و همچنین بسته به نوع قیده‌های زمان مشخص می‌شود. با این حال، وجود «مضارع مستمر» در بسیاری از این گویش‌ها نشان می‌دهد «مضارع اخباری» همچون فارسی گفتاری از سطح کاربرد و دلالت دوگانه «حال» و «آینده» خارج شده، و بیشتر به سوی «آینده» سوق پیدا کرده‌است^(۳). اما در نوع دوم، فعل مستقل «آینده» با ساختار مشخص و متمایز دیده می‌شود که در شکل «ساده» یا «ترکیبی» و احیاناً هر دو شکل به کار می‌رود.

از نوع اول می‌توان به گویش‌های زیر اشاره کرد: گیلکی (نک. پورهادی، ۱۳۸۷: ۶۶-۷۲؛ هاشمی تکلیمی، ۱۳۹۱: ۴۲۰-۴۲۲؛ کریستین‌سن، ۱۳۷۴: ۴۵؛ سبزیلیپور، ۱۳۹۱: ۳۱۵-۳۱۷)؛ مازندرانی (نک. شکری، ۱۳۸۵: ۸۵-۸۷؛ همو، ۱۳۷۴: ۱۲۴-۱۲۵؛ کلباسی، ۱۳۷۶: ۹۳-۹۴؛ مؤمنی، ۱۳۸۲: ۱۰۲-۱۰۳؛ هومند، ۱۳۶۹: ۳۳-۳۶)؛ تاتی جنوبی (نک. یارشاطر، ۱۹۶۹: ۲۱۸-۲۲۱؛ سبزیلیپور، ۱۳۸۹: ۷۶-۷۷؛ همو، ۱۳۹۱: ۱۰۶-۱۰۴ و ۱۱۱-۱۱۳)؛ تالشی جنوبی (نک. نغزگوی کهن، ۱۳۷۳: ۴۵؛ پورشفقی، ۱۳۸۵: ۱۵۹-۱۶۰ و ۱۷۲)؛ قصرانی (نک. دیهیم، ۱۳۸۴: ۲۷)؛ دماوندی (نک. علمداری، ۱۳۸۴: ۳۳-۳۵)؛ زرگری (نک. وثوقی، ۱۳۸۳: ۳۷۲-۳۸۰)؛ بهدینان یزد (نک. مزداپور، ۱۳۷۴: ۱۲۸-۱۲۹)؛ سمنانی (نک. همایون، ۱۳۷۱: ۳۳-۲۹؛ فخرو و اسماعیلی، ۱۳۸۹: ۸۳ و ۹۲)؛ کلیمیان اصفهان و یزد (نک. کلباسی، ۱۳۷۳: ۷۷-۷۸؛ همایون، ۱۳۸۳: ۵۴)؛ سیوندی (نک. آندریاس، ۱۳۹۴: ۳۲-۶۱)؛ خوانساری (نک. اشرفی خوانساری، ۱۳۸۳: ۵۴-۵۶)؛ تفرشی (لُکوک، ۱۳۸۳: ۵۲۳)؛ رضائی باغبیدی، ۱۳۸۳: ۲۸-۲۹)؛ کردی (نک. مکنزی، ۱۹۶۶: ۳۷)؛ کلباسی، ۱۳۸۵: ۲۱ و ۲۷؛ خرسند، ۱۳۶۷: ۹۵ و ۹۹)؛ رودباری کرمان (نک. مطلبی، ۱۳۸۵: ۱۰۴-۱۰۹)؛ فارس (نک. سلامی، ۱۳۸۳: ۴۴ و ۴۷؛ همو، ۱۳۸۴: ۴۴-۴۵ و ۴۷-۴۸؛ همو، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۴؛ همو، ۱۳۸۶: ۶۴-۶۵؛ همو، ۱۳۸۸: ۷۸-۷۹؛ مرادی، ۱۳۸۶: ۸۲)؛ لری (نک. طاهری، ۱۳۸۵: ۹۷-۱۰۰)؛ لُکوک، ۱۳۸۳: ۵۶۹)؛ صارمی، ۱۳۸۶: ۵۴-۵۷؛ ظفری، ۱۳۸۳: ۴۵۷-۴۵۸)؛ رستمی، ۱۳۸۸: ۱۱۴-۱۱۶)؛ مقیمی، ۱۳۷۳: ۵۹-۶۰)؛ بلوچی (نک. الفینباین، ۱۳۸۳: ۵۸۷)؛ آهنگر و دیگران، ۱۳۹۲: ۲۷-۲۸).

در این گویش‌ها «مضارع اخباری» از ترکیب ماده حال، ضمائر متصل فاعلی (شناسه فعل)، و غالباً جزء پیشین ساخته می‌شود. علاوه بر این، نوعی فعل آینده ترکیبی نیز در اغلب این گویش‌ها به کار می‌رود که از «خواستن» (در شکل مضارع اخباری) و یک فعل دیگر (در شکل مضارع التزامی) به دست می‌آید. معادل این ساخت، در زبان فارسی از دیرباز وجود

داشته‌است. مانند: «می‌خواهم بروم». از آنجا که این ساخت، مرکب از دو فعلِ واژگانی قابل صرف است، و هر دو در معنی اصلی خود کاربرد دارند، نمی‌توان آن را یک ترکیب فعلی مستقل به حساب آورد.

اما از نوع دوم گویش‌ها که فعل مستقل «آینده» دارند، می‌توان به گویش‌های تالشی (مرکزی و شمالی)، گویش‌های آذری (کلاسوری، هرزندی، کرینگانی)، گویش‌های خراسانی (قائنی، بیرجندی، سبزواری)، گویش‌های مرکزی (قهرودی، ابوزیدآبادی، ابیان‌ای بادرودی، فریزندی، میمه‌ای، راجی هنجن)، گویش‌های لارستانی (گراشی، قلاتی، کاریانی، اسیری، اهلی و خنجی)، و کردی کرمانجی اشاره کرد.

۱-۶- گویش‌های تالشی: در تالشی مرکزی و شمالی، فعل «آینده» از «مضارع اخباری» جداست و ساخت آن از افعال ساده به شرح زیر است (نک. پورشقی، ۱۳۸۵: ۱۷۲-۱۷۶):

جزء پیشین ba- + ماده ماضی + شناسه خاص مضارع اخباری

فعل آینده ساده	تالشی مرکزی	تالشی شمالی
خواهم خوابید	ba-xət-im(a)	ba-(hə)t-ime
نخواهم خوابید	ni-ma-xət	ni-ba-(hə)t-ime

در تالشی شمالی ساخت «آینده» از افعال پیشوندی مثل افعال ساده است، جز اینکه پیشوند بر سر فعل افزوده می‌شود، اما در تالشی مرکزی شناسه به جای ماده فعل، به آخر پیشوند اضافه می‌شود (نک. همان: ۱۷۳-۱۷۴):

فعل آینده پیشوندی	تالشی مرکزی	تالشی شمالی
باز خواهی کرد	â- a-kard	u-ba-kâ(rd-e)-
باز نخواهی کرد	â-ni- kard	u-ni-ba-kâ(rd-e)-

علاوه بر این، در تالشی شمالی «با صرف کردن صفت مفعولی آینده مختوم به anin- (که براساس ماده ماضی ساخته می‌شود) یک نوع آینده اجباری حاصل می‌شود» (نک. لکوک، ۱۳۸۳: ۴۹۵): «کردن» مفرد: ۱. kârd-anin-im، ۲. kârd-anin-i، ۳. kârd-anin-e.

در تالشی مرکزی ساخت‌های دیگری به نام «آینده نزدیک» و «آینده در گذشته» وجود دارند که به ترتیب با افزودن پیشوند kâ- به آغاز فعل «آینده» و «ماضی استمراری» درست می‌شوند (نک. رضایتی کیشه‌خاله، ۱۳۸۶: ۸۴-۸۵ و ۹۰-۹۱):

آینده نزدیک ساده	می‌خواهم گفت	kâ ba-vât-im(a)
آینده نزدیک پیشوندی	می‌خواهم گرفت	kâ vi-ma gat
آینده در گذشته ساده	می‌خواستم خفت	kâ a-xəs-im(a)
آینده در گذشته پیشوندی	می‌خواستم گرفت	kâ vir a-ger-im(a)

علاوه بر این، در ساخت «مضارع و ماضی مستمر» (مضارع و ماضی در جریان) تالشی مرکزی نیز از پیشوند $k\hat{a}(r)$ - استفاده می‌شود (نک. همان: ۸۳-۸۴ و ۸۸-۸۹):

$k\hat{a}(r-i)-ma\ e$	مضارع مستمر	در رفتن‌ام (دارم می‌روم)
$k\hat{a}(r)\ b-im(a)\ e$	ماضی مستمر	در رفتن بودم (داشتم می‌رفتم)

۲-۶- گویش‌های آذری: در تاتی هرزندی، کلاسوری و کرینگانی، فعل «آینده» متمایز از «مضارع اخباری» است و در ساخت آن مثل تالشی از ماده ماضی (در شکل صفت فاعلی یا مفعولی گذشته) و شناسه‌های فعلی استفاده می‌شود (نک. مرتضوی، ۱۳۸۴: ۱۶۹-۱۷۰؛ لکوک، ۱۳۸۳: ۵۰۰؛ اصغری، ۱۳۸۵: ۲۰):

هرزندی «بستن»: مفرد: ۱. $b\hat{e}s\hat{d}\hat{a}-nin/ninen$ ، ۲. $b\hat{e}s\hat{d}\hat{a}-ni$ ، ۳. $b\hat{e}s\hat{d}\hat{a}-niya$ ، جمع: ۱. $b\hat{e}s\hat{d}\hat{a}-nom$ ، ۲. $b\hat{e}s\hat{d}\hat{a}-nur$ ، ۳. $b\hat{e}s\hat{d}\hat{a}-not$

کلاسوری «خوردن»: مفرد: ۱. $\hat{h}\hat{a}r\hat{d}\hat{a}-nim$ ، ۲. $\hat{h}\hat{a}r\hat{d}\hat{a}-ni$ ، ۳. $\hat{h}\hat{a}r\hat{d}\hat{a}-niya$ ، جمع: ۱. $\hat{h}\hat{a}r\hat{d}\hat{a}-nimun$ ، ۲. $\hat{h}\hat{a}r\hat{d}\hat{a}-nir$ ، ۳. $\hat{h}\hat{a}r\hat{d}\hat{a}-nind$

کرینگانی «خوردن»: مفرد: ۱. $\hat{h}\hat{a}r\hat{d}-eyni$ ، ۲. $\hat{h}\hat{a}r\hat{d}-ey\ e$ ، ۳. $\hat{h}\hat{a}r\hat{d}-niye$

«مضارع اخباری» نیز در هرزندی، کلاسوری و کرینگانی از ماده ماضی ساخته می‌شود: «هرزندی $kond-en$ [می] اکنم، $kond-or$ [می] اکنید؛ کرینگانی $mun-an\ be-k\hat{a}r\hat{d}\hat{e}$ [می] اکنم (تحت‌اللفظی «من به کردن هستم») (لکوک، ۱۳۸۳: ۵۰۰)؛ کلاسوری $t\hat{a}r\hat{e}s\hat{t}-im$ می‌ترسم، $t\hat{a}r\hat{e}s\hat{t}-i$ می‌ترسی، $t\hat{a}r\hat{e}s\hat{t}-a$ می‌ترسد (سبزعلیپور، ۱۳۹۰: ۱۰۳).

به نظر لکوک (۱۳۸۳) در تاتی کجلی یک نوع صفت مفعولی آینده نیز وجود دارد که از مصدر و $-in$ ساخته می‌شود: $hordon-in$ خوردنی، آنچه باید/می‌تواند خورده شود.

۳-۶- گویش‌های خراسانی: در گویش‌های قائنی، بیرجندی و سبزواری علاوه بر کاربرد دوگانه «مضارع اخباری» در معنی حال و آینده، فعل مستقل «آینده» نیز به کار می‌رود. در قائنی «آینده» از ترکیب فعل معین $xasta$ (خواستن) و فعل واژگانی به شرح زیر ساخته می‌شود: صیغه‌های سه‌گانه مفرد، از شکل تصریفی مضارع اخباری $xasta$ و ماده ماضی فعل واژگانی، صیغه‌های سه‌گانه جمع، از سوم شخص مفرد مضارع اخباری $xasta$ ، و صیغه‌های جمع گذشته ساده فعل واژگانی درست می‌شود (نک. زمردیان، ۱۳۶۸: ۹۲-۹۳):

جمع		مفرد	
$m-e-x-\varepsilon\ mast-em$	خواهیم خواست	$mo-x-om\ mas$	خواهم خواست
$m-e-x-\varepsilon\ mast-ei$	خواهید خواست	$me-x-ei\ mas$	خواهی خواست
$m-e-x-\varepsilon\ mast-an$	خواهند خواست	$me-x-\varepsilon\ mas$	خواهد خواست

در گویش سبزواری فعل «آینده» از ترکیب غیرتصریفی xa به‌عنوان فعل معین، و شکل تصریفی گذشته ساده فعل واژگانی ساخته می‌شود (بروغنی، ۱۳۸۱: ۷۹):

جمع		مفرد	
xa reftim	خواهیم رفت	xa reftum	خواهم رفت
xa refte	خواهید رفت	xa refti	خواهی رفت
xa reften	خواهند رفت	xa ref	خواهد رفت

در گویش بیرجندی علاوه بر «مضارع اخباری»، فعل مستقل «آینده» نیز با شش ساخت، و هر ساخت با دو گونه مختلف به کار می‌رود که از ترکیب فعل معین x stə (خواستن) و احياناً bodə (بودن)، با فعل واژگانی ساخته می‌شود (نک. رضائی، ۱۳۷۷: ۲۸۲-۲۹۱):

آینده ساده (گونه ۱)		آینده ساده (گونه ۲)	
bexom raft	خواهم رفت	bex raftom	
exan raft	خواهند رفت	bex raftan	
آینده استمراری (گونه ۱)		آینده استمراری (گونه ۲)	
moxom raft	می‌خواهم رفت	mex raftom	
mexan raft	می‌خواهند رفت	mex raftan	
آینده دور (گونه ۱)		آینده دور (گونه ۲)	
beraftə xom bod	رفته خواهم بود	beraftə x bodom	
beraftə xan bod	رفته خواهند بود	beraftə x bodan	
آینده دور استمراری (گونه ۱)		آینده دور استمراری (گونه ۲)	
maraftə xom bod	می‌رفته خواهم بود	maraftə x bodom	
maraftə xan bod	می‌رفته خواهند بود	maraftə x bodan	
آینده دور تر (گونه ۱)		آینده دور تر (گونه ۲)	
beraftə bodə xom bod	رفته بوده خواهم بود	beraftə bodə x bodom	
beraftə bodə xan bod	رفته بوده خواهند بود	beraftə bodə x bodan	
آینده دور تر استمراری (گونه ۱)		آینده دور تر استمراری (گونه ۲)	
maraftə bodə xom bod	می‌رفته بوده خواهم بود	maraftə bodə x bodom	
maraftə bodə xan bod	می‌رفته بوده خواهند بود	maraftə bodə x bodan	

۴-۶- گویش‌های مرکزی: برخی از گویش‌های مرکزی ایران (شمال شرقی)، مثل راجی هنجن، میمه‌ای، قهرودی، ایبانه‌ای، ابوزیدآبادی، بادرودی و فریزندی، علاوه بر مضارع اخباری، دارای آینده ترکیبی هستند. در قهرودی و ابوزیدآبادی برای ساخت آینده، از شکل تصریفی فعل معین kom- / kem- / kam- و مصدر مرخم (ماده ماضی) فعل واژگانی استفاده می‌کنند: قهرودی kem-u d «خواهم داد»؛ ابوزیدآبادی kem-e v «خواهی گفت» (نک. لکوک، ۱۳۸۳: ۵۲۸-۵۲۷).

در راجی هنجن نیز فعل «آینده» از ترکیب شکل تصریفی kem- با ماده ماضی فعل واژگانی ساخته می‌شود. در افعال پیشوندی، فعل معین kem- بین پیشوند و فعل واژگانی قرار می‌گیرد (نک. آقاریبی، ۱۳۸۳: ۴۶):

مفرد		جمع	
kem-un yo d	خواهند یافت	kem-men yo d	خواهند یافت
dar-kem-un xoss	خواهند انداخت	dar-kem-en xoss	خواهند انداخت

اما در میمهای ساخت فعل «آینده» اندکی متفاوت است. در این گویش فعل معین kom به شکل تصریفی فعل واژگانی (ماضی ساده) اضافه می‌شود: kom d yon «خواهم دید»؛ kom d yenda «خواهند دید» (نک. فتحی بروجنی، ۱۳۹۲: ۱۱۵).

۵-۶- گویش‌های لارستانی: در برخی از گویش‌های لارستانی، از جمله گویش‌های موسوم به «اچمی» بین فعل‌های «مضارع اخباری» و «آینده» تفاوت وجود دارد. در اغلب این گویش‌ها مضارع اخباری با افزودن شناسه به آخر مصدر، و در برخی دیگر با افزودن فعل معین mavâ- «دارم» و kar- «دارم» قبل از فعل اصلی، و زمان آینده نیز در برخی گویش‌ها با افزودن فعل معین may- به مضارع اخباری ساخته می‌شود^(۴) (نک. سلامی، ۱۳۸۶: ۶۴-۶۵):

آینده		مضارع اخباری		
خواهم رفت	maye-o om/a om	می‌روم	edâyom	خنجی
خواهم رفت	a- m	می‌روم	edâ am	گراشی
خواهم رفت	a- m	می‌روم	edâhâm	قلاتی
خواهم رفت	a- m	می‌روم	edâyom	کاریانی
خواهم رفت	may o am/e am	می‌روم	mavâ am	اسیری
خواهم رفت	may o am	می‌روم	kar-o am	اهلی

طبق نظر اقتداری (نک. ۱۳۷۱: ۴۹۶-۴۹۷) در لارستانی فعل «آینده» از فعل معین avessa «خواستن» و شکل مصدری فعل واژگانی ساخته می‌شود: mavi eda «خواهم رفت».

۶-۶- گویش کردی کرمانجی^(۵): فعل «آینده» در کرمانجی، همان «مضارع التزامی» است با این مشخصه که فاعل قبل از آن، اگر ضمیر منفصل فاعلی باشد، با نشانه ê- اگر ضمیر منفصل غیرفاعلی یا اسم باشد، با پسوند -wê / -dê همراه است. «مضارع التزامی» در کرمانجی از جزء پیشین b- / bi-، ماده مضارع و شناسه‌های خاص مضارع ساخته می‌شود. در آینده منفی، ne- جایگزین b- / bi- می‌گردد (نک. بلو و باراک، ۱۳۸۷: ۵۶-۶۱):

من دستور خواهم داد.	ez-ê emir bi-d-im.
امروز نگاه خواهید کرد.	îro hûn-ê bi-nihêr-in.
فردا هوا سرد خواهد شد.	sib-ê hewa wê sar bi-b-e.

ew-ê ne-y-ê-n Mêrdîn-ê.	آنها به ماردین نخواهند آمد.
Azad dê sêv-ek-ê bi-kirr-e û wê bi-xw-e.	
	آزاد یک سیب خواهد خرید و خواهد خورد.

در کنار فعل «آینده»، مضارع اخباری و مضارع مستمر هم در گویش کرمانجی به کار می‌رود (نک. همان: ۴۹-۵۳).

۷- نتیجه‌گیری

در ایرانی باستان فعل آینده صورت ساختوازی داشت و از ماده آینده ساخته می‌شد، اما محدودیت کاربرد و صورت تصریفی آن در متون اوستایی و استفاده نشدن از آن در متون موجود فارسی باستان نشان می‌دهد که این فعل از همان روزگاران در حال فروپاشی و نابودی بوده‌است.

در ایرانی میانه روند تحول فعل آینده متفاوت بوده‌است. در گروه زبان‌های غربی (پهلوی و پارتی)، همچنان که در ایرانی باستان معمول بود، استفاده از وجه مضارع التزامی و اخباری در اشاره به حال و آینده براساس قرائن متنی و بافتی ادامه یافت. اما در گروه زبان‌های شرقی (سغدی و خوارزمی)، با الحاق اجزای غیرتصریفی به مضارع اخباری ساخت نوینی به‌عنوان فعل آینده به وجود آمد.

در فارسی دری ضمن ادامه استفاده از مضارع اخباری در اشاره به آینده، ساخت نوینی به وجود آمد که از ترکیب فعل معین «خواستن» با فعل واژگانی ساخته می‌شده‌است. این ساخت هرچند در متون نوشتاری تا امروز به حیات خود ادامه می‌دهد، اما در فارسی گفتاری امروز کاربردی ندارد. در عوض، مضارع اخباری در زبان گفتاری امروز غالباً از قلمرو زمان «حال» به «آینده» تغییر کاربرد داده‌است و این امر، موجب به وجود آمدن ساخت فعلی جدیدی به نام «مضارع مستمر» در زبان فارسی امروز شده که قبلاً در زبان فارسی دری سابقه نداشته و حتی به زبان نوشتاری نیز راه پیدا کرده‌است.

در اغلب گویش‌های ایرانی، به نظر می‌رسد «مضارع اخباری» همچون فارسی گفتاری از سطح کاربرد و دلالت دوگانه «حال» و «آینده» خارج شده، و بیشتر به سوی «آینده» سوق پیدا کرده‌است. با این حال، در برخی دیگر از گویش‌ها فعل مستقل «آینده» با ساختار مشخص و متمایز دیده می‌شود که در مواردی متأثر از زبان نوشتاری فارسی است، و در مواردی نیز رد پای آن را می‌توانیم در زبان‌های میانه شرقی از جمله سغدی و خوارزمی ببینیم.

پی‌نوشت

۱. چکیده‌مقاله‌ای با همین عنوان (زمان آینده در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی غربی) به قلم استاد بزرگوار، جناب آقای دکتر حسن رضایی باغبیدی در خلاصه‌مقالات نخستین همایش ایران‌شناسی در سال ۱۳۸۱ به چاپ رسید، ولی متأسفانه اصل آن مقاله هرگز منتشر نشد.
۲. در «شدن» مادهٔ آیندهٔ *b iia* برخلاف قاعده از صورت ضعیف ریشه ساخته شده‌است (نک. کلنز، ۱۳۸۲).
۳. بیشتر مواد زبانی این مقاله مبتنی بر منابع مکتوب و کتابخانه‌ای است. از آنجا که اطلاعات مربوط به فعل «مضارع اخباری» در اغلب گویش‌نامه‌ها خارج از بافت و حداکثر در قالب یک جمله آمده‌است، دقیقاً مطمئن نیستیم که در گویش‌های مختلف دلالت آن بر «آینده» تا چه اندازه است. در برخی از گویش‌ها، از جمله تالشی جنوبی، تاتی و گونه‌های مختلف گیلگی، غالباً بر آینده دلالت می‌کنند و ظاهراً امروزه دیگر فعل «آینده» به حساب می‌آیند. مخصوصاً وجود «مضارع مستمر» و کاربرد فراوان آن در این گویش‌ها، خلأ وجود «مضارع اخباری» را پر کرده‌است.
۴. ظاهراً آنچه آقای سلامی مضارع اخباری می‌نامد، در اصل همان مضارع مستمر است. مضارع مستمر در برخی از گویش‌های ایرانی، مثل تالشی از ترکیب شکل تصریفی *kâ/kâr* با مصدر فعل واژگانی ساخته می‌شود: *kâma/kârima e* (رفتن دارم/ دارم می‌روم). در گیلگی این فعل از ترکیب *kâra* و مضارع اخباری ساخته می‌شود: *kâra ayâm* (دارم می‌آیم). البته در گیلگی شکل دیگری از مضارع مستمر وجود دارد که از ترکیب مصدر، و شکل تصریفی *dar* ساخته می‌شود: *amun daram* (آمدن دارم/ دارم می‌آیم). بنابراین، ساخت مضارع مستمر در گویش‌های موسوم به «آچمی» با تالشی و گیلگی شباهت زیادی دارد. اما آنچه با عنوان آینده آمده‌است، چیزی جز مضارع اخباری نیست. با این توضیح که با کاربرد مضارع مستمر در این گویش‌ها، مضارع اخباری جای خالی آینده را پر کرده و عملاً به سمت و مفهوم آینده سوق پیدا کرده‌است. علاوه‌براین، معلوم نیست *may-* به عنوان فعل معین در ساخت فعل آینده، صرف می‌شود یا شکل ثابتی دارد. به نظر می‌رسد که این فعل، هنوز دستوری نشده و مفهوم اولیهٔ خود (اراده کردن) را همچنان حفظ کرده‌است. در این صورت، این ترکیب همچون معادل متناظر فارسی خود (می‌خواهم بروم) نمی‌تواند ساخت آینده تلقی شود.
۵. گویش کرمانجی ایران ظاهراً فعل آینده ندارد. کرمانجی مورد بحث بلو، کرمانجی شهر دیاربکر ترکیه است که جمعیتی بالغ بر یک میلیون و پانصد هزار نفر دارد.

منابع

- آقاریبی، ا. ۱۳۸۳. *گویش راجی هنجن*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- آموزگار، ژ. و ا. تفضلی. ۱۳۷۳. *زبان پهلوی ادبیات و دستور آن*، تهران: معین.
- آهنگر، ع. م. محمودزهی و ف. جمال‌زهی. ۱۳۹۲. «ساختار تصریفی فعل در بلوچی سرحدی گرینچین». *مطالعات زبان و گویش‌های غرب ایران*، (۳): ۲۳-۴۸.
- ابوالقاسمی، م. ۱۳۸۷. *دستور تاریخی زبان فارسی*، تهران: سمت.
- احمدی گیوی، ح. ۱۳۸۰. *دستور تاریخی فعل*، تهران: قطره.
- اشرفی خوانساری، م. ۱۳۸۳. *گویش خوانساری*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اصغری، ا. ۱۳۸۵. «فعل در گویش تاتی کلاسور». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*، (۱۹۸): ۱-۲۵.
- اقتداری لارستانی، ا. ۱۳۷۱. *لارستان کهن و فرهنگ لارستانی*، تهران: جهان معاصر.
- الفنباين، ی. ۱۳۸۳. «بلوچی». *راهنمای زبان‌های ایرانی*، ج ۲، ویراسته ر. اشمیت، ترجمه فارسی زیر نظر ح. رضائی باغبیدی. تهران: ققنوس. ۵۷۷-۵۹۷.
- اندریاس، ک. ف. ۱۳۹۴. *گویش‌های ایرانی (سیوندی، یزدی، سویی)*، ترجمه علی نورزاد. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بروغنی، ا. ۱۳۸۱. *بررسی زبان‌شناسانه گویش سبزوار، سبزوار: ابن‌یمین*.
- بلو، ج. و و. باراک. ۱۳۸۷. *دستور زبان کردی (کرمانجی)*، ترجمه ع. بلخکانلو. تهران: مترجم.
- پورشفقی، م. ۱۳۸۵. *توصیف دستگاه فعل در گویش تالشی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی. رشت: دانشگاه گیلان.
- پورهادی، م. ۱۳۸۵. *زبان گیلکی*، رشت: فرهنگ ایلبا.
- خانلری، پ. ن. ۱۳۶۹. *تاریخ زبان فارسی*، تهران: نشر نو.
- خرسند، ا. ۱۳۶۷. «توصیف ساختمان فعل در لهجه کرماشاهی». *مجله زبان‌شناسی*، (۹): ۹۰-۱۰۸.
- دیهیم، گ. ۱۳۸۴. *بررسی خرده‌گویش‌های منطقه قصران به انضمام واژه‌نامه قصرانی*، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- راستارگویا، و. س. ۱۳۴۷. *دستور زبان فارسی میانه*، ترجمه و. شادان. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- رستمی، م. ۱۳۸۸. *گویش نهاوندی*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضایتی کیشه‌خاله، م. ۱۳۸۳. «فعل‌های مرکب ضمیری در زبان فارسی». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی*، (۱۴۴): ۱۹۱-۲۰۵.
- _____ . ۱۳۸۶. *زبان تالشی*، رشت: فرهنگ ایلبا.
- _____ . ۱۳۸۸. «فعل‌های پیشوندی در آثار منثور فارسی از آغاز تا پایان قرن پنجم»، *دستور (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)*، (۵): ۲۷-۵۰.

- رضایی باغبیدی، ح. ۱۳۸۱. دستور زبان پارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب پارسی.
- _____ ۱۳۸۱. زمان آینده در زبان‌ها و گویش‌های ایرانی غربی، خلاصه‌مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی، گردآورده م. تهرانی‌زاده، تهران: بنیاد ایران‌شناسی
- _____ ۱۳۸۳. «گویش ویدری». گویش‌شناسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، (۳): ۲۰-۳۸.
- _____ ۱۳۸۸. تاریخ زبان‌های ایرانی، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.
- رضائی، ج. ۱۳۷۷. بررسی گویش بیرجند، به اهتمام م. رفیعی. تهران: هیرمند.
- زمردیان، ر. ۱۳۶۸. بررسی گویش قاین، مشهد: آستان قدس رضوی.
- زوندزمان، و. ۱۳۸۲. «زبان‌های ایرانی میانه غربی». راهنمای زبان‌های ایرانی، ج ۱، ویراسته ر. اشمیت، ترجمه فارسی زیر نظر ح. رضائی باغبیدی. تهران: ققنوس. ۱۷۹-۱۸۹.
- سبزعلیپور، ج. ۱۳۸۹. زبان تاتی، رشت: فرهنگ ایلیا.
- _____ ۱۳۹۰. «پیرامون تاتی کلاسور». نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز، (۲۲۳): ۸۹-۱۱۳.
- _____ ۱۳۹۱. بررسی تطبیقی ساخت فعل در گویش‌های تاتی، تالشی و گیلکی، رشت: دانشگاه گیلان.
- سبزعلیپور، ج. و ر. ایزدی‌فر. ۱۳۹۱. «تحول مضارع اخباری به مضارع مستمر در گویش‌های ایرانی شمال غربی». نخستین همایش بین‌المللی زبان‌ها و گویش‌های ایرانی (گذشته و حال)، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. ۱۴۹-۱۷۶.
- اسلامی، ع. ۱۳۸۳-۱۳۸۸. گنجینه گویش‌شناسی فارس. دفتر اول تا پنجم، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- سوکولوف، س. ن. ۱۳۸۸. زبان اوستایی، ترجمه ر. بهزادی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- سیمز ویلیامز، ن. ۱۳۸۲. «ایرانی میانه شرقی». راهنمای زبان‌های ایرانی، ج ۱، ویراسته ر. اشمیت، ترجمه فارسی زیر نظر ح. رضائی باغبیدی. تهران: ققنوس. ۲۶۱-۲۷۱.
- شکری، گ. ۱۳۷۴. گویش ساری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ ۱۳۸۵. گویش رامسری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- صادقی، ع. ا. ۱۳۵۷. تکوین زبان فارسی، تهران: دانشگاه آزاد ایران.
- _____ ۱۳۸۰. «درباره فعل‌های جعلی». مسائل تاریخی زبان فارسی، تهران: سخن.
- صارمی، س. ۱۳۸۶. «ساخت فعل در گویش ملایری». گویش‌شناسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، (۶): ۴۵-۶۵.
- طاهری، ا. ۱۳۸۵. «فعل در گویش بختیاری». گویش‌شناسی (ویژه‌نامه نامه فرهنگستان)، (۵): ۸۶-۱۰۶.

- ظفری، و. ۱۳۸۳. «مختصات آوایی و دستوری گویش نهبانندی». مجموعه مقالات نخستین همایش ایران‌شناسی: زبان و زبان‌شناسی، ج ۱. تهران: بنیاد ایران‌شناسی. ۴۳۱-۴۷۰.
- علمداری، م. ۱۳۸۴. گویش دماوندی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فتحی بروجنی، ش. ۱۳۹۲. گویش میمه‌ای، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فخرو، ع. ا. و ع. اسماعیلی. ۱۳۸۹. توصیف دستوری گویش سرخه‌ای، سمنان: دانشگاه سمنان.
- فروتن، ف. ۱۳۸۷. دستور زبان بختیاری، اهواز: کردگار.
- قریب، ب. ۱۳۷۲. «نظام فعل در زبان سغدی». مجله زبان‌شناسی، (۱۹): ۱-۵۴.
- کریستوفر، ج. ب. ۱۳۷۶. نحو زبان‌های ایرانی میانه غربی، ترجمه س. عریان. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- کریستین‌سن، آ. ۱۳۷۴. گویش گیلکی رشت، ترجمه جعفر خمایی‌زاده. تهران: سروش.
- کلباسی، ا. ۱۳۶۲. گویش کردی مهابادی، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____ ۱۳۷۳. گویش کلیمیان اصفهان، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- _____ ۱۳۷۶. گویش کلاردشت، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- کلنز، ژ. ۱۳۸۲. «اوستایی». راهنمای زبان‌های ایرانی، ج ۱، ویراسته ر. اشمیت، ترجمه فارسی زیرنظر ح. رضائی باغبیدی. تهران: ققنوس. ۷۰-۱۰۹.
- لکوک، پ. ۱۳۸۳. «گویش‌های حاشیه دریای خزر و شمال غرب ایران». راهنمای زبان‌های ایرانی، ج ۲، ویراسته ر. اشمیت، ترجمه فارسی زیرنظر ح. رضائی باغبیدی. تهران: ققنوس. ۴۸۹-۵۱۵.
- _____ ۱۳۸۳. «گویش‌های مرکزی ایران». راهنمای زبان‌های ایرانی، ج ۲، ویراسته ر. اشمیت، ترجمه فارسی زیرنظر ح. رضائی باغبیدی. تهران: ققنوس. ۵۱۷-۵۳۹.
- مرادی، ف. ۱۳۸۶. فرهنگ گویش خلاری، تهران: کاکتوس.
- مرتضوی، م. ۱۳۸۴. زبان دیرین آذربایجان، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار یزدی.
- مزدآپور، ک. ۱۳۷۴. واژه‌نامه گویش بهدینان یزد، ج ۱، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مطلبی، م. ۵-۱۳۸۴. بررسی گویش رودباری کرمان. رساله دکتری فرهنگ و زبان‌های باستانی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- مقیم، ا. ۱۳۷۳. بررسی گویش بویر احمد و...، شیراز: نوید.
- مولایی، چ. ۱۳۸۴. راهنمای زبان فارسی باستان، تهران: مهرنامک.
- مؤمنی، ف. ۱۳۸۲. «ساختمان فعل در گویش تنکابنی از زبان مازندرانی غربی». مجله زبان‌شناسی، (۳۵): ۱۰۱-۱۱۵.
- نغزگوی کهن، م. ۱۳۷۳. «توصیف ساختمان دستگاه فعل در گویش تالشی دهستان طاسکوه ماسال». مجله زبان‌شناسی، (۲۱): ۳۸-۵۷.

- هاشمی تکلیمی، ن. ۱۳۹۱. پژوهشی در گویش رودباری، رشت: حرف نو.
- همایون، ه. ۱۳۷۱. گویش/فتری، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- _____ . ۱۳۸۳. گویش کلیمیان یزد، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- هومباخ، ه. ۱۳۸۲. «خوارزمی». راهنمای زبان‌های ایرانی، ج ۲، ویراسته ر. اشمیت، ترجمه فارسی زیر نظر ح. رضائی باغبیدی. تهران: ققنوس. ۳۰۳-۳۱۸.
- هومند، ن. ۱۳۶۹. پژوهشی در زبان تبری مازندرانی، آمل: کتاب‌سرای طالب آملی.
- وثوقی، ح. ۱۳۸۳. «توصیف زبان‌شناختی گویش زرگری رایج در روستای زرگر». مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایران‌شناسی (زبان و زبان‌شناسی)، ج ۲. ۳۶۱-۳۹۶.
- Jackson, A.V.W. 2004. Avesta Grammar and Reader. with an introduction in Persian by H. Rezai Baghbidi. Asatir: Tehran.
- Kent, R.G. 1953. Old Persian Grammar, Texts, Lexicon. American Oriental Society, New Haven.
- Mackenzie, D, N. 1966. The Dialect of Awroman (Hawr m n- Luh n). Grammatical sketch. Texts and Vocabulary. Kobenhaven.
- Yarshater, E. 1969. A Grammar of Southern T ti Dialects. Mouton. The Hague. Paris.

